



فرهنگ پرداخت مالیات

مرضیه آسترکی *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۲۲

چکیده:

مالیات از اهم منابع درآمد دولت است و وصول مالیات از طرف دولت و پرداخت مالیات از طرف مودیان، صرفاً یک همکاری و همیاری مشترک و عقلایی است تا هزینه‌های عمومی و نیازمندی‌های اجتماعی تامین شود. اگرچه ممکن است مالیات از نظر برخی پرداخت یک‌جانبه ملت به دولت تلقی گردد و به همین منظور در پرداخت مالیات مقاومت‌هایی صورت گیرد، اما اگر فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نهادینه شود قطعاً بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد.

چراکه مالیات از ویژگی‌های نظام اجتماعی است که پذیرش آن از طرف ملت و نحوه اجرای آن از طرف دولت و حساسیت نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به آن، به ویژگی‌های فرهنگی کشور بسیار بستگی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند کشورهایی که توانسته‌اند نظام مالیاتی منسجم و مطلوبی ایجاد و اجرا کنند که در ابتدا بیشتر مدیران، تصمیم‌گیرندگان و گروه‌های اجتماعی در سطوح عالی سیاسی و اقتصادی، به حیاتی بودن عملکرد صحیح چنین نظامی آگاه بوده و به صراحت متعهد شده‌اند که در مقابل قانون مالیات اطاعت می‌نمایند. بر همین اساس از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی تمایلات فکری و نظرات مردم درباره مسائل گوناگون مالیاتی جامعه است که به فرهنگ مالیاتی مشهور است.

اگر فرهنگ مالیاتی را مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و عکس‌العمل افراد در برابر نظام مالیاتی بدانیم، یا به عبارتی دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت‌ها، آرمان‌ها، ارزش‌های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات را مؤثر در فرهنگ مالیاتی بدانیم، پس عدم پاسخ مثبت مؤدیان مالیاتی به انجام تکالیف و وظایف قانونی خود را به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف فرهنگ مالیاتی می‌دانیم، که باید مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین لازم است برای بررسی فرهنگ مالیات و چگونگی تقویت و یا تضعیف عوامل مانع بر آن مطالبی را بیان کنیم. در این مقاله سعی کردیم به این موارد اشاره‌هایی داشته باشیم، امیداست که فرهنگ پرداخت مالیات در ایران نیز براساس معیارها و موازین علمی و صحیح اصلاح شود.

واژگان کلیدی: مالیات، فرهنگ پرداخت مالیات، فرار مالیاتی، ترفند مالیاتی.

بهره‌جویی از حساب‌رسان خبره مالیاتی و ابزارهای مدرن و در صورت لزوم با اعمال ضمانت اجرایی قوی و مؤثر علیه متخلفان، می‌توان به ارتقای فرهنگ پرداخت مالیات و در نتیجه به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های مالیاتی دست یافت (بیگ‌پور، ۱۳۸۳). بنابراین در این مقاله سعی کردیم تا مباحثی درباره مالیات، فرهنگ پرداخت آن و فرار مالیاتی ارائه کنیم.

نقش مالیات در پیدایش تحولات اجتماعی

مالیات ریشه تاریخی طولانی دارد و از پدیده‌های بسیار قدیمی زندگی انسان است و شاید عمر آن با پیدایش نخستین حکومت و قبایل همراه باشد و در برخی از تمدن‌های باستانی مانند «کلده» و «آشور» در بین‌النهرین و «آتن» در غرب وصول مالیات تابع ضوابط مدون بوده است؛ ولی در بسیاری از نقاط جهان مسئله مالیات از نظر میزان و نحوه وصول، تابع اراده بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده یا نماینده او بوده است.

حاکم با والی که اداره امور منطقه‌ای را برعهده داشت، در ازای پرداخت مبلغی به حکومت مرکزی اجازه داشت از افراد منطقه به هر میزان که تشخیص می‌داد مالیات وصول کند. از تفاوت‌های عمده مالیات در گذشته و حال این است که در قدیم مالیات‌ها، خراج‌ها و باج‌های وصول شده به گنجینه شخص حاکم افزوده و به صورت امروزی به عنوان بخشی از درآمد تلقی نمی‌شد. (سعیدی، ۱۳۸۱)

به گفته هرودت مورخ یونانی، داریوش اول پادشاه هخامنشی، کشور ایران را برحسب تعداد ملل تابعه به ۲۰ حکومت‌نشین تقسیم کرد و برای یک یا چند ملت از ملل فوق یک حاکم معین کرد. هر یک از ملل مزبور برحسب وسعت خاک و ثروت افراد، مبلغی به عنوان مالیات به تالان نقره (هر تالان ۳۴۱۶۴ گرم) می‌پرداختند. البته پارسیان از پرداخت مالیات معاف بودند؛ زیرا آنها ملت مستقل ایران را تشکیل می‌دادند. در زمان اشکانیان، به تقلید از یونانی‌ها در سرحدات ایران، دفاتر گمرکی تاسیس شد و از کالاهای وارده و صادره مبلغی به‌عنوان حقوق گمرکی دریافت می‌شد (پورعسگری، ۱۳۷۷).

واقعیت تاریخی این است که مالیات در بسیاری از کشورهای جهان منشأ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. برای مثال در انگلستان از ابتدای حکومت «نرمان‌ها» در اوایل قرن سیزدهم، اعیان و ثروتمندان عدم رضایت خود را از وضع مالیاتی

اخذ مالیات از دیرباز برای دولت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر بوده است، تا آنجا که می‌توان گفت هر دولتی در هر برهه‌ای از زمان، به‌منظور رفع نیازهای جامعه تحت حاکمیتش، به انحای مختلف به وصول مالیات از مردم اقدام کرده و اکنون نیز تعیین و وصول مالیات، بیش از گذشته، مدنظر متولیان امور است. تا قبل از تدوین اصول و مبانی علم اقتصاد، مالیات فقط به دلیل جنبه‌های درآمدی آن مطرح بوده است؛ اما امروزه دولت‌ها علاوه بر هدف اساسی مذکور، از وصول مالیات - که رکن اصلی در حیطه مالیه عمومی هر کشور است - به عنوان مهم‌ترین وسیله در تخصیص منابع، حصول اشتغال کامل، درجه معقولی از ثبات قیمت‌ها، توازن حساب‌های بین‌المللی و بالاخره توزیع عقلایی و صحیح درآمدها میان طبقات و گروه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه، بهره می‌جویند. به این ترتیب مالیات به عنوان عامل اصلی در چرخه اقتصادی کشور نقش خود را ایفا می‌کند و در واقع ابزاری است برای تحرک تولید و برنامه‌های توسعه، توزیع عادلانه امکانات و جلوگیری از شکست بازار در تخصیص بهینه منابع.

مالیات در عین حال که باید آن را از ضروریات مربوط به بقا و کشور و دولت به‌شمار آورد، همواره موجب بروز تضاد و کشمکش میان مؤدیان و مأموران مالیاتی و یا به عبارت دیگر میان مردم و دولت بوده و هست. عده‌ای از مؤدیان به‌دلیل سودجویی فردی، مرتکب فرار از مالیات می‌شوند؛ بعضی افراد به ضعف و نارسایی قانون و مقررات مالیاتی معترض هستند؛ برخی با مطرح کردن بی‌عدالتی و رفتارهای نامناسب مأموران مالیاتی، واکنش نشان می‌دهند؛ گاهی دولت، خود از تدوین یک قانون مطلوب و یا اجرای دقیق آن عاجز است و در نتیجه هدف غایی از اجرای برنامه‌های مالیاتی عاید نمی‌شود، و بالاخره معضلات عیدمده‌ای از این قبیل که اغلب دولت‌ها کم و بیش با آن روبرو هستند. همین امر موجب شده است تا دولت‌ها به دنبال تبیین اصولی برای پرداخت مالیات برآیند. امروزه دولت‌های مترقی، به موازات پیشرفت علوم، فنون و متناسب با تمدن عصر حاضر، نسبت به حل بسیاری از مشکلات مربوط به طرح و اجرای احکام مالیاتی نائل آمده‌اند. با توجه به تجارب این کشورها و سوابق و تاریخ مالیاتی کشورهای کهن، به‌خصوص کشور خودمان ایران، به این نتیجه می‌رسیم که با تدوین قوانین منسجم، شفاف و عادلانه، برقراری نظام اجرایی پویا و مجهز به نیروی انسانی کارآزموده،

مباحث هر نظام سیاسی و حکومتی است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد، بنابراین لازم است تا در رابطه با تعیین فرهنگ مالیات و پرداخت آن اقداماتی صورت گیرد (سعیدی، ۱۳۸۱).

فرهنگ پرداخت مالیات

برنامه‌های مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه در کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه شمرده می‌شود. در بسیاری از کشورها، شهروند معادل مالیات‌دهنده است. امروزه تقریباً در همه دنیا، مردم پذیرفته‌اند که اگر در زندگی روزمره‌شان خدمتی دریافت می‌کنند، باید هزینه‌اش به طور مستقیم یا غیرمستقیم بپردازند. اکثر مالیات‌دهندگان پذیرفته‌اند که چرا مالیات می‌دهند. آنها در ازای خدماتی که دریافت می‌کنند، با رغبت مالیات می‌پردازند و به همین دلیل با کم‌کاری و اسراف در بودجه کشورشان به شدت برخورد می‌کنند. عدم فاصله میان دولت و مردم مهم‌ترین مسئله در پرداخت با رغبت مالیات است. زمانی که مردم بدانند هر گونه شانه خالی کردن از زیر بار مالیات، در نهایت به ضرر خود آنهاست و مانع از اجرای برنامه‌های رفاهی دولت، خواهد شد، مطمئناً مالیات را با رغبت خواهند داد. بنابراین برنامه‌های اقتصادی دولت نیز باید علمی، دقیق و خارج از روش آزمون و خطا باشد و مهم‌ترین ملاک برای هر دولتی، مردم باشد. (روانبخش، ۱۳۸۶) به همین منظور در بسیاری از کشورها، سازمان‌های قدرتمندی وجود دارد که بر نحوه مصرف مالیات نظارت داشته و عملکرد آنها مالیات‌دهندگان را مطمئن می‌کند که مالیات‌های پرداختی آنها دقیقاً برای همان مصارفی که در بودجه دولت‌ها منظور شده به مصرف می‌رسد. یعنی مردم به چشم خود آثار پرداخت مالیات را در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی خود از آموزش ابتدایی تا عالی گرفته تا درمان و بهداشت، توسعه و عمران شهری، راه‌های ارتباطی و توسعه کشورهای خود لمس و مشاهده می‌کنند و نهادهای انتخابی هم به نمایندگی از طرف مالیات‌دهندگان بر کار مصرف‌کنندگان درآمدهای مالیاتی نظارت دقیق و همه‌جانبه دارد (کیامهر، ۱۳۸۲).

جلب رضایت مالیات‌دهندگان، ضابطه‌ای است که رعایت آن، اعتماد آنها را به دولت و به سازمان مالیاتی، تقویت می‌کند. این اعتماد و اطمینان، مؤثرترین راه کارایی در اظهار، تشخیص و وصول مالیات و رسیدگی به شکایت‌هاست؛ از آنجا که صداقت در اظهار

ابراز کردند و بالاخره در سال ۱۲۱۵ میلادی پادشاه را وادار کردند تا سند منشور آزادی را امضا کند. این منشور، منشأ قوانین کشورها و پیدایش حکومت مشروطه در جوامع بشری شد (سعیدی، ۱۳۸۱).

به‌طوری که در ایران در دوره مشروطیت در مقررات مالی و مالیاتی اصلاحاتی به عمل آمد و در زمان‌های مختلف، قوانین جدیدی وضع شد. اولین قانون مربوط به مالیات در ۱۵ محرم سال ۱۳۲۵ هجری قمری به نام «قانون ممیزی طبق اصول علمی» به تصویب مجلس اول رسید. با این قانون، ابتدا از زمین با تعیین حدود و مساحت نقشه‌برداری و جنس زمین، با ذکر سایر مشخصات معین می‌شد، سپس براساس اطلاعات موجود میزان مالیات مشخص می‌گردید.

در دوره مشروطیت از بدو تأسیس مجلس تا سال ۱۳۴۵ به مرور در قوانین مالیاتی، آیین‌نامه‌های مربوط، احکام و قواعد جدید و پیشرفته‌تری گنجانیده می‌شد، به‌طوری که مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود در سال ۱۳۴۵ بسیاری از خصوصیات مزبور به مقررات مالیاتی امروز را در برداشته است (پورعسکری، ۱۳۷۷).

با توجه به تأثیراتی که اجرای قوانین مالیاتی در کشورهای پیشرفته داشته و دارد می‌توان ادعا کرد که مالیات، یکی از ابزارهای تنظیم سیاست‌های اقتصادی است و علاوه بر نقش اصلی که تأمین‌کننده منابع برای اجرای برنامه‌های دولت است، هدف‌هایی مانند گسترش عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، ایجاد توازن در مصرف و افزایش سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص ملی را به عهده دارد. بنابراین می‌باید نظام مالیاتی جامعه در منافع مختلف درآمد و ثروت ملی محاسبه و سپس ظرفیت‌های اجرایی کشور و توان عملی سازمان‌های وصول‌کننده مالیات از هر نظر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. مالیات، زمانی که به عنوان اهرمی برای توسعه اقتصادی بکار گرفته می‌شود، در مورد مختلف و متناوبی می‌تواند بکار آید. از آن می‌توان به عنوان مشوق سرمایه‌گذاری و پس‌انداز استفاده کرد و یا در جهت اعمال سیاست‌های صادراتی و حتی کنترل نقدینگی استفاده شود. برای اینکه نظام مالیاتی در ایفای نقش مهم خود در اقتصاد کشور موفق باشد باید منحنی وصول مالیات از طبقات فقیر و کم‌درآمد به طرف دارا و پردرآمد سوق پیدا کند. به طور کلی آثار اقتصادی مالیات همراه با آثار اجتماعی، فرهنگی و انسانی آن گسترده‌ترین و عمیق‌ترین

اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند. به این ترتیب مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای این قوانین، همان فرهنگ مالیاتی جامعه خواهد بود. از طرفی لازمه و شرط اول برای ترویج هر مقوله عدالت است، یعنی وقتی مردم مطمئن شوند که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی میان افراد جامعه وجود ندارد، آنگاه خودشان را مطیع قانون دانسته و اطاعت از آن را واجب می‌دانند. به طور قطع اقتصاد سالم، اقتصادی است که بیش‌تر بر پایه مالیات بنا شده و سعی شده باشد که هزینه‌های جاری و عمرانی دولت از طریق وصول مالیات تأمین شود. بنابراین لازم است با گسترش فرهنگ مالیات در سطح جامعه و شناختن اهمیت آن در توزیع درآمد و ایجاد عدالت اجتماعی و از میان بردن فاصله‌های طبقاتی آن را جایگزین تفکر سنتی پول نفت کرده و بستریابی به وجود آوریم تا مالیات‌دهی جزو وظایف و تکالیف مهم آحاد جامعه تلقی شود و این باور عمومی نسبت به پولی که به عنوان مالیات پرداخت می‌کنند به وجود آید و در نهایت از طرق مختلف از جمله، ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی، احداث مراکز درمانی و کارهای عمرانی و زیربنایی به نوعی به خود مردم برگشته و آنان خود از مزایای آن بهره‌مند خواهند شد که در آن صورت با رغبت بیش‌تر و به تمایل خویش نسبت به پرداخت مالیات حقه خود اقدام کرده تا شاهد اقتصادی سالم و پویا در کشورمان باشیم (قربانی، ۱۳۸۶).

متأسفانه شرایطی مشاهده شده که اگر قانونی برای یک دوره مشخص جهت اخذ مالیات از فعالان اقتصادی و صاحبان مشاغل وضع می‌شود، جنبه اجرایی دارد سازمان‌های وصول‌کننده مالیات حتی در شرایط بحرانی رکود اقتصادی انعطافی نسبت به مؤدیان مالیاتی ندارند. به عبارت دیگر بنگاه‌های اقتصادی و صاحبان مشاغل در هر شرایطی باید نرخ‌هایی را که برای مالیات مشاغل آنها در قانون تعیین شده، بدون چون و چرا بپردازند، این امر نقطه‌ای بسیار منفی و بازدارنده در قوانین مالیاتی ماست که مالیات را به صورت یک هیولا در اذهان مالیات‌دهندگان ایرانی تجسم می‌کنند.

در طول تاریخ - که نظام مالیاتی نوین در کشور ما اجرا شده - دولت‌ها باید با تلاش در راه ایجاد حس اعتماد در میان مؤدیان مالیاتی و پیروی از روش‌های اقناعی در گسترش فرهنگ مالیات، از هر گونه حربه تهدید، خط و نشان کشیدن و نقره داغ کردن نسبت به مؤدیان بالقوه و بالفعل مالیاتی خودداری کرده و در جهت تشدید

مالیات را تحکیم می‌بخشد، تشخیص را تسهیل می‌کند، هزینه‌های وصول را کاهش می‌دهد و می‌تواند از هزینه‌های اداره امور مالیاتی نیز بکاهد، در فرهنگ پرداخت مالیات بسیار مهم است (توکلی، ۱۳۸۴).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی تبلیغ در ارتباط با مسائل مالیاتی است و قطعاً اگر چه شرط کافی مساله نیست ولی شرط لازم است. اگر در کتاب‌های درسی، در کانون‌های مختلف اجتماعی و در سینماها و فیلم‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی کشور به مساله مالیات که حیاتی‌ترین مساله یک اقتصاد سالم است توجه شود می‌توان امید داشت که با تبلیغات و آگاهی‌رسانی از طریق رادیو و تلویزیون در این زمینه، تحولات اساسی ایجاد کرد (قربانی، ۱۳۸۶).

عامل دیگر همگانی شدن فرهنگ پرداخت مالیات در کشورهای توسعه‌یافته، انعطاف‌پذیر بودن و پویایی قوانین مالیاتی است، به نحوی که شاخص‌های متغیر اقتصادی در مواقع ضروری سبب بالا یا پایین رفتن نرخ مالیات‌ها شوند.

این تغییر نرخ مالیاتی هم اغلب در جهت تأمین رفاه و منابع مالیات‌دهندگان و در نهایت با هدف کمک به افزایش نرخ رشد اقتصادی در این کشورها صورت می‌پذیرد و در مجموع شرایطی را به وجود می‌آورد که چهره‌ای متبسم و مهربان و دوست‌داشتنی از مالیات در اذهان مالیات‌دهندگان ترسیم می‌شود. به عبارت دیگر در کشورهای توسعه‌یافته مالیات‌دهندگان مالیات را به‌مثابه شمشیر بر بالای سر خود احساس نمی‌کنند، زیرا اطمینان دارند که قوانین مالیاتی همواره خود را با شرایط اقتصادی آنها تطبیق می‌دهد و این امر در کشور ما با توجه به قوانین مالیاتی تأثیر بسیاری خواهد داشت (کیامهر، ۱۳۸۲).

ایجاد اعتماد و روحیه مساعد در اعضای یک اجتماع، مستلزم وجود شرایطی است که مهم‌ترین آنها عادلانه بودن مالیات دریافتی، کفایت دستگاه اداری مالیات و عاقلانه بودن مخارج دولتی است. مردم باید اعتماد کنند که وضعیت مالیات‌ها به ترتیبی است که هر کس سهم عادلانه خود را می‌پردازد. اگر این احساس در افراد عمومیت پیدا کند - که بعضی با درآمد و ثروت بیش‌تر مالیات کمتری می‌پردازند و یا بدون داشتن حقی از معافیت‌های مالیاتی بالاتری برخوردارند - روحیه مالیاتی جامعه تضعیف می‌شود (سواری، ۱۳۷۸).

باتوجه به آنکه اراده و خواست مردم، عمده‌ترین نقش را در

فعالیت‌های نهادهای مدنی و نظارتی برای پرداخت درست و به موقع مالیات اقدام کنند (کیامهر، ۱۳۸۲).

فرار مالیاتی

اگر مردم دولت را خدمت‌رسانی کارآمد بدانند، به عبارت دیگر آن را عادلانه و مردمی تلقی کنند، همچنین، خود مردم نیز متعهد و متدین باشند، تمکین بیشتری برای پرداخت مالیات نشان می‌دهند و اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی در آنها کاهش می‌یابد (توکلی، ۱۳۸۴).
اگرچه فرارهای مالیاتی به دو شکل صورت می‌گیرد که عبارتند از:

۱. ترفند مالیاتی: به این معنا که مؤدی (مالیات‌دهنده) سعی می‌کند با استفاده از مواد قانونی و مقرهای موجود در آن مالیات کمتری را بپردازد، بی‌آنکه از صورت ظاهر قانون عدول کند.

۲. فرار مالیاتی: به این معنا که مؤدی (مالیات‌دهنده) مبادرت به انتشار یا تقلب کرده و یا با اعمال خلاف قانون سعی در نپرداختن مالیات دارند. از جمله نگهداری دو دسته دفاتر و مدارک برای ثبت معاملات، یک دفتر برای خود مؤدی که دخل و خرج وی را به‌درستی نشان می‌دهد و دفتر دیگر برای ارائه به مأموران مالیاتی برای محاسبه مالیات یا دادن آدرس‌های صوری در هنگام تأسیس شرکت‌ها، انحلال و ثبت مجدد شرکت‌ها به‌طور متوالی و...؛ اما فرار مالیاتی به هر صورتی که باشد نشانه مطمئنی از بی‌کفایتی اداره مالیات و بی‌احترامی مردم نسبت به سیستم مالیاتی است. از جمله عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات عبارتند از:

۱. عدم شناخت صحیح از اهمیت و ضرورت مالیات و نقش آن در اقتصاد.

۲. عدم تعبیر سیستم مکانیزه برای ردیابی و شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با درآمدهای اشخاص.

۳. عدم تفاهم و اعتماد فی‌مابین مأموران تشخیص مالیات و مؤدیان مالیاتی.

۴. تبعیض در تشخیص مالیات برای مؤدیان.

۵. نرخ‌های بالای مالیاتی. (قربانی، ۱۳۸۶).

توجه به تکنیک‌های صحیح و روش‌های مناسب برای وصول مالیات اهمیت بسیاری دارد که در این رابطه نخست باید موارد فرار از پرداخت مالیات شناخته شود. برای این کار باید فهرست اسامی

و مشخصات مؤدیان مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرد، و عدم پرداخت‌ها سریعاً تشخیص داده شود. به محض انقضای تاریخ پرداخت مالیات، اخطار رسمی برای اشخاصی که در پرداخت قصور کرده‌اند ارسال شود. البته دقت کافی شود تا فرار مالیاتی با سوءنیت از مواردی که افراد خوش سابقه و درستکار - که واقعاً به علت مزیقه مالی از پرداخت دیون خود عاجزند - تمیز داده شوند، و برای گروه اخیر تسهیلاتی از نظر تقسیط دیون مالیاتی، تخفیف و غیره در نظر گرفته شود. نکته دیگر دقت کافی در تشخیص صحیح مالیات است، زیرا بی‌دقتی در مرحله تشخیص و ارزیابی، جز اتلاف وقت، ایجاد نارضایتی و افزایش موارد فرار مالیاتی حاصلی نخواهد داشت. استرداد اضافه دریافت‌ها نیز از نکات مهمی است که می‌تواند موجب ایجاد رضایت و اعتماد در پرداخت‌کنندگان مالیات کند (مهندس و تقوی، ۱۳۸۲).

در کشورهای صنعتی پیشرفته، مالیات‌گریزی جرمی است که تبعات اقتصادی و اجتماعی آن گریبان مجرم را خواهند گرفت، چه بسیار سیاستمدارانی که به‌واسطه تخلفات مالیاتی از صحنه سیاست کنار رفته‌اند. هر شهروند صاحب درآمدی باید بخشی از درآمد خود را براساس قوانین موجود به عنوان مالیات به دولت پرداخت کند. زیرا از مواهب مختلف امنیتی و رفاهی و خدمات شهری با هزینه دولت برخوردار می‌شود، باید بخشی از این هزینه‌ها را منطقاً متقبل شود که میزان آن را قانون مشخص می‌کند. از این رو مالیات‌گریزی نشانه سوءاستفاده از خدمات دولتی است که هزینه آن بر دوش شهروندان دیگر است. تفهیم لزوم پرداخت مالیات به وسیله شهروندان صاحب درآمد، علاوه بر ایجاد زمینه‌های قانونی، مستلزم آموزش فرهنگی است تا مؤدیان را به حقوق خود در رابطه با اجتماع و افاق گرداند (جامساز، ۱۳۸۳).

پس‌افتادگی فرهنگ مالیات

تغییرات در نظام تجاری و ساختار اقتصادی جوامع براساس رقابت در بازار آزاد به سرعت انجام می‌شود؛ اما تغییرات نظام مالیاتی کشور به دلیل لزوم طی مسیر قانونی با کندی پیش می‌رود. با برشمردن برخی از ویژگی‌های فرهنگی در مقوله مالیات، فرهنگ مالیاتی به مجموعه‌ای از عناصر قابل لمس و اندازه‌گیری (مادی) چون روش‌های عملیاتی، قانون و تکنولوژی و مجموعه عناصر معنوی آن چون اخلاقیات، آداب و رسوم و هنجارهای حاکم بر جامعه قابل بازتعریف

ندهند یا سعی کنند از معافیت‌های مالیاتی بیشترین بهره را ببرند و سهم بیشتری از درآمدهای نفتی را از آن خود کنند. ادامه این وضع، بیشتر به فرهنگ مالیاتی آسیب می‌رساند و پس‌افتادگی فرهنگی را سرعت می‌بخشد.

دلیل دیگر در پس‌افتادگی فرهنگ مالیاتی، نداشتن استراتژی مدون رفاهی است، اگرچه دولت در ایران به استناد اصل «۲۹» قانون اساسی یک دولت رفاهی شناخته شده و موظف است با برقراری نظام فراگیر رفاه اجتماعی فرصت‌های برابر در اختیار شهروندان قرار دهد. علاوه بر آن، در قانون اساسی از آموزش رایگان یاد شده که خود مانند حق مردم و تکلیف دولت‌هاست. باین حال، نوعی ناهماهنگی در سیاست‌های اجتماعی ایران دیده می‌شود. پرداخت مستقیم به مردم در بخش درمان بیش از عرف جهانی است. ناسامانی زیادی میان انواع خدمات بیمه‌ای دیده می‌شود و انتظار شهروندان را به ویژه در حوزه بهداشت و درمان رفع نمی‌کند. در برنامه‌های خصوصی‌سازی، طرح خودگردانی بیمارستان‌ها و خصوصی‌سازی در آموزش رخ داده، غافل از اینکه این موارد، جزئی از کالاهای عمومی هستند که در ابتدا دولت باید آنها را تأمین کند و انتظار مردم از آن اصل در قانون اساسی پوشش داده شود. باید قبول کنیم وقتی در تأمین هزینه‌های معمول زندگی مردم حضور مالیات کمرنگ می‌شود، فرهنگ مالیاتی رشد نمی‌کند.

نخبگان و روشنفکران جامعه نیز از موانع توسعه یافتگی فرهنگ مالیاتی در ایران بوده‌اند. روشنفکران ایرانی به دلیل ساختارهای جامعه ایرانی، به بخش خصوصی وابستگی نداشته‌اند یا امکان فعالیت مستقل برای آنها فراهم نبوده است و بسیاری از آنان در دانشگاه‌هایی تدریس می‌کنند که در اختیار کامل نهاد دولت است.

این موضوع دقیقاً برعکس کشورهای توسعه یافته است که روشنفکران اجتماعی نسبت به موظف بودن آنها نسبت به پرداخت مالیات و نحوه هزینه‌کرد آن بسیار حساس هستند. مالیات نسبت به دیگر ارزش‌های اجتماعی، جایگاه کمتری در فضای رسانه‌ای و تبلیغات کشور دارد. به‌جز سازمان امور مالیاتی که به عنوان متولی رسمی امور مالیاتی کشور است - کمتر نهاد یا سازمان مردم‌نهادی دیده‌ایم که خود را موظف به تشویق امر مالیات در کشور می‌داند. به طور مثال در تیرماه که مؤعد خوداظهاری مالیاتی در ایران است، به‌جز سازمان متولی هیچ رسانه‌ای به‌طور مستقل نسبت به این

است. به‌طور کلی، برخورداری از فرهنگ مالیاتی منجر به پذیرش شکل داوطلبانه آن از طرف گروه‌های اجتماعی می‌شود. در بسیاری مواقع با پدیده‌های روبرو می‌شویم که عناصر مادی و معنوی فرهنگی، همسو رشد نمی‌کنند و به اصطلاح جامعه‌شناسانه با نوعی ناسامانی فرهنگی مواجه شده که این موضوع کل فرایند را با اختلال روبرو می‌کند.

در این چارچوب ابزارهای موجود در سیستم مالیاتی مانند روش‌های پرداخت مالیات، بهنگام کردن قوانین مالیاتی و مدون کردن شرح وظایف و نمودار سازمانی دستگاه مالیاتی، را به عنوان عناصر مادی فرهنگ مالیاتی باید در نظر گرفت. از طرف دیگر هنجارهای حاکم بر ذهنیت گروه‌های اجتماعی نسبت به پرداخت مالیات و موارد مصرف آن، همچنین احساس عدم تبعیض میان مؤدیان مالیاتی نسبت به مسائل مالیاتی، رویکرد دولت به تأثیر مالیات در بودجه دولت، از جمله عناصر معنوی فرهنگ مالیاتی را تشکیل می‌دهند. تحولات سریع در نظام‌های اقتصادی باعث می‌شود ویژگی‌های مادی، فرهنگ مالیاتی شامل به روز شدن قوانین مالیاتی و مدرنیزاسیون روش‌های عملیاتی به دلیل رشد تکنولوژی و تعاملات تکنولوژیکی رشد کند. ولی بخش معنوی فرهنگ مالیاتی به آن دلیل که به موارد کیفی و تحولات جامعه‌شناختی باز می‌گردد، به کندی رشد می‌کند و در برخی اوقات رشد آن منفی است. در این حالت، با پدیده پس‌افتادگی در فرهنگ مالیاتی روبرو می‌شویم. از جمله مواردی که در وضعیت پس‌افتادگی فرهنگی رخ می‌دهد، احساس تبعیض میان مالیات‌دهندگان است. این عامل را می‌توان در توزیع ناعادلانه درآمد، تلاش برای استفاده بیشتر از ترفندهای قانونی و غیرقانونی مالیاتی و بی‌تفاوتی نخبگان جامعه نسبت به مسئله استراتژیک مالیات جستجو کرد. از عوامل مهم در ایجاد پس‌افتادگی فرهنگی، همانا بُعد زمان است. به‌طور مثال، احساس تبعیض نسبت به اجرای قانون در یک فرایند زمانی به باور گروه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود.

باین حال مهم‌ترین دلیل در بروز این وضع، چسبندگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت است که به دلیل خاصیت جانشینی با درآمدهای مالیاتی آن را در موضع ضعف قرار داده است. همچنین اقتصاد دولت محور در ایران، می‌تواند اخذ مالیات را از نظر اقتصادی بی‌تأثیر کند و این وضع در بلندمدت به لایه‌های اجتماعی هم نفوذ می‌کند و آنان نیز به عنوان کارگزاران اقتصادی می‌آموزند که مالیات

موضوع نمی‌پردازند. این جریان حاکی از بی‌تفاوتی آشکار گروه‌های اجتماعی نسبت به مهم‌ترین رکن زندگی در جوامع مدرن است. در کنار آن، می‌توان به بی‌اهمیت دانستن مالیات در برنامه احزاب نیز اشاره کرد. تاکنون هیچ حزبی در ایران مانیفست خود را نسبت به مالیات مشخص نکرده و اصولاً با شعار و برنامه مالیاتی وارد گود انتخاباتی نشده، ترس از نگاه منفی مردم با مقوله مالیات دریای صندوق‌های رأی و نامشخص بودن جایگاه مالیات در اقتصاد سیاسی کشور از دلایل این موضوع است.

بخش‌هایی از جامعه نیز خمس و زکات را جایگزین مالیات‌های قانونی می‌دانند. در حالی که نظام مالیاتی جمهوری اسلامی در مورد مالیات، قانون مصوب مجلس دارد. از این‌رو این امر نیز باعث پس‌افتادگی فرهنگ مالیاتی می‌شود که باید برای آن راهکار اساسی یافت (نایب فر، ۱۳۸۶).

نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت پرداخت مالیات از سوی مردم و چگونگی هزینه کردن آن به وسیله دولت، فرهنگ مالیات می‌باید به صورت کلی در جامعه مورد توجه قرار گیرد. بنابراین برای این امر لازم است تا با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در ایران موجود است از ابزارهای خاصی استفاده شود. به طور مثال تأکید عالمان دینی بر واجب بودن پرداخت مالیات و دریافت و هزینه کردن عادلانه آن از طرف دولت، گسترش تبلیغات سراسری در این خصوص به ویژه از طرف رسانه ملی، گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه و رصد کردن فعالیت‌های دولت، انجام اقدامات رفاهی در چارچوب یک تفویض علمی، ایجاد مباحث روشنفکری در این زمینه به جهت تقویت پایه‌های فلسفی مالیات در ایران، الزام دولت به حرکت در چارچوب قانون برنامه چهارم توسعه و کاهش سهم درآمد‌های نفتی در بودجه، عملیاتی کردن طرح‌های نوین مالیاتی مانند برقراری مالیات بر ارزش افزوده و دولت الکترونیک در خصوص مالیات‌ها، استفاده از نظرات مؤدیان مالیاتی در تصمیم‌سازی برنامه‌های دولت، تأکید بر روش‌های نوین حسابرسی مالیاتی از طرف جامعه حسابداران رسمی و ارشد نظام مالی شرکت‌ها، بازنگری در سیستم رفاهی کشور با هدف تقویت نظام بیمه‌ای، آموزش، بهداشت و رشد مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم، لغو معافیت‌های غیرضرور نهادهی و الزام همه صاحبان درآمد به ارائه اطلاعات به دستگاه مالیاتی،

برقراری شیوه‌های ساده و کارآمد برای استفاده از دفاتر و ثبت کردن رویدادهای مالی به‌خصوص در بخش مشاغل، تأمین نیازهای مالی کارکنان دستگاه مالیاتی برای اجرای بهینه وظایف و بسیاری از نکاتی که می‌تواند از نظر مالی دولت را در استخدام ملت درآورد، منجر به تقویت سیستم مالیاتی می‌شود و در راستای اهداف سند چشم‌انداز هم قرار دارد؛ همچنین فراهم کردن بستری که موجب می‌شود تساهل مالیات‌دهی جزء وظایف مهم آحاد جامعه تلقی شده و این باور نسبت به پولی که به عنوان مالیات پرداخت می‌شود، به وجود آید و در نهایت به روشی از طرف دولت به خود مردم برگشته و در نتیجه مردم با میل و رغبت بیشتری برای پرداخت مالیات اقدام می‌کنند. این امر فرهنگ پرداخت مالیات را در کشور توسعه داده و توسعه‌یافتگی در فرهنگ مالیاتی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بزرگ در توسعه ایران شود، بنابراین لازم است نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم.

منابع:

- بیگ‌پور، محمدعلی. (۱۳۸۳). حسابرسی مالیاتی. انتشارات دانشکده امور اقتصادی. چاپ دوم.
- پورعسکری، علی اصغر. (۱۳۷۷). حسابداری مالیاتی. انتشارات نوید شیراز. چاپ اول.
- توکلی، احمد. (۱۳۸۴). مالیه عمومی. انتشارات سمت. چاپ سوم.
- نایب‌فر، محمد. (۱۳۸۶). پس‌افتادگی فرهنگی در مالیات. روزنامه اعتماد مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۹.
- جامساز، محمود. (۱۳۸۳). لزوم تقویت فرهنگ مالیات‌دهی. روزنامه اقتصاد بویا مورخ ۱۳۸۳/۵/۳۱.
- رضایی، محمدقاسم. (۱۳۸۶). توسعه نیافتگی فرهنگ مالیاتی ایران. روزنامه سرمایه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۱.
- روان‌بخش، محمدحسین. (۱۳۸۶). بازخوانی رفتار مالیاتی در ایران. روزنامه مردم‌سالاری مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۶.
- سعیدی، پرویز. (۱۳۸۱). حسابداری مالیاتی. انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ دوم.
- سواری، رضا. (۱۳۷۸). تقویت روحیه پرداخت مالیات. روزنامه ابرار اقتصادی مورخ ۱۳۷۸/۱۷/۱۷.
- عرب‌ماز، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). چرا همه از مالیات فرار می‌کنند؟ روزنامه جام جم مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰.
- قربانی، مجید. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر فرار پرداخت مالیات. روزنامه سرمایه مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۹.
- کیامهر، غلامرضا. (۱۳۸۲). فرهنگ مالیات‌گریزی را چگونه اصلاح کنیم؟ روزنامه جهان اقتصاد مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۹.
- مهندس، ابوطالب و تقوی، مهدی. (۱۳۸۲). مالیه عمومی. انتشارات فروردین. چاپ هجدهم.